



Analyzing the role of the four lawyers in transmitting Shiite heritage

Dr. Zahra Ruholahi Amiri ¹

Dr. Mehdi Noormohammadi ²

Dr. Zainab Sharifi Shokoh ³

Abstract

The Minor Occultation (Ghaybat al-Sughra) is considered a transitional period from the physical presence of the Imam (peace be upon him) to his occultation, and its significance lies in the fact that key principles of Imami (Twelver Shia) thought were established during this time. Due to the general inaccessibility of the Imam to the Shia community, representatives (wakils) were introduced as intermediaries between the Imam and the Shia society. These representatives played a crucial role in conveying essential elements of Imami doctrine to the Shia through their position as the Imam's envoys. The question of what teachings and doctrines were transmitted by these representatives—or actively promoted by them—is central to this research, which seeks to answer it by examining Shia historical, hadith, and biographical sources. Given the vital communicative role the representatives played during this period, analyzing these transmitted themes can provide a deeper understanding of how core Shia concepts emerged and how the Four Deputies contributed to the dissemination and consolidation of Shia beliefs. Among the most important teachings promoted by these envoys was their unwavering conviction in the birth and occultation of the Imam, which they conveyed through reports of their encounters with him. They also meticulously protected the identity and name of the Twelfth Imam, to the extent that one of their emphasized instructions was to avoid mentioning his name. These were among the principal teachings generated and presented to the Shia community through the representatives, thereby strengthening the doctrinal foundation of belief in the Twelfth Imam during that era and beyond.

Keywords: Imam Mahdi (PBUH), Minor Occultation, Four Representatives, Foretelling, Shiite Knowledge

1. Assistant professor of history department, Baqir al-Olum university, Qom, Iran (Corresponding Author) (z.rooholahiamiri@yahoo.com)

2. PhD in the history of Twelver Shiism, researcher in the history of Ahl al-Bayt, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (m.noormohammadi1351@gmail.com)

3. Ph. D candidate of history of Islam, Baqer al-Olum University, Qom, Iran. (z.sharifi.shokooh@gmail.com)

واکاوی نقش وکلای اربعه در انتقال تراث شیعی*

زهرا روح الهی امیری^۱

مهدی نورمحمدی^۲

زینب شریفی شکوه^۳

چکیده

دوره غیبت صغری به عنوان دوران گذار از حضور به غیبت امام از آن رو اهمیت می‌یابد که بخشی از اصول اندیشه امامیه در این دوران پایه‌گذاری گردیده است. این دوره به دلیل عدم دسترسی عمومی شیعیان به امام، وکیلان به عنوان کانال ارتباطی میان ایشان و جامعه شیعه معرفی گردیده و بخشی از عناصر کلیدی تفکر امامیه به وسیله این گروه از سفیران امام به شیعیان منتقل گردیده است. این که وکیلان چه مضامین و آموزه‌هایی را به امامیه منتقل نموده و یا در مسیر انتقال آنها فعال بوده‌اند؛ سوالی است که با استناد به متون روایی و رجالی تاریخ شیعه در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ آن هستیم. به نظر می‌رسد با توجه به نقش کلیدی ارتباطی که وکیلان در این دوران ایفا می‌نمودند، بررسی این مضامین کمک خواهد کرد تا درک بهتری از روند شکل‌گیری مفاهیم شیعی و نقش وکیلان چهارگانه در ترویج و تثبیت اصول شیعه پیدا کنیم. یقین سفیران به ولادت و غیبت امام و لقاء آن به مخاطبان خود از طریق بیان گزارش‌هایی از دیدار با امام و محافظت کامل از نام و نشان امام دوازدهم به گونه‌ای که یکی از اصلی‌ترین مسائلی که به وسیله ایشان بر آن تأکید می‌شد نهی از نام بردن از امام بود؛ مهم‌ترین آموزه‌هایی است که به وسیله ایشان تولید و به جامعه شیعه عرضه گردیده، و از آن طریق سبب تقویت بنیه اعتقادی شیعه به وجود امام دوازدهم در آن روزگار و پس از آن شده است.

واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، غیبت صغری، وکلای اربعه، توقیعات، معارف شیعی.

مقدمه

شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سنین جوانی، میان ۲۴ تا ۲۸ سالگی، نقطه عطفی در

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

۱. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم، ایران (نویسنده مسئول) (z.rooholahiamiri@yahoo.com).

۲. دکتری تاریخ تشیع اثنی عشری و پژوهشگر تاریخ اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (m.noormohammadi1351@gmail.com).

۳. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم، ایران (z.sharifi.shokooh@gmail.com).

تاریخ شیعه بود که موجب حیرت و سرگردانی بسیاری از پیروان اهل بیت علیهم السلام شد. در این دوران، به ویژه با توجه به سیاست‌های دستگاه خلافت برای شناسایی و تحت فشار قرار دادن جانشین امام، شرایط برای پیروان امام عسکری علیه السلام پیچیده‌تر شد. یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب انشعاب‌ها و انحرافات در جریان تشیع گردید، مخفی نگه داشتن فرزند امام از چشم دیگران و انکار وجود او از سوی برخی نزدیکان امام بود. این مسائل زمینه‌ساز شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف و گرایش‌های انحرافی در درون جامعه شیعی شد. نعمانی، این انحرافات را به پنج دلیل اصلی نسبت داده است: نخست، عدم آگاهی و شناخت از حقیقت، که موجب گمراهی برخی از شیعیان شد؛ دوم، دنیاخواهی و زیاده‌خواهی که باعث فریب برخی از افراد گردید؛ سوم، فریفته شدن از سوی شیطان که برخی را به دنبال هوی و هوس‌های خود کشاند؛ چهارم، جست‌وجوی قدرت و شهوت دنیاخواهی که در برخی از افراد میل به رهبری و ریاست را بر اعتقاد به امامت برتری بخشید؛ و پنجم، سستی ایمان و ضعف اعتقادی که موجب شد برخی افراد همچنان بر امام قبلی باقی بمانند و از پذیرش امام بعدی امتناع کنند (نعمانی، ۱۳۹۰ق: ۱۰-۱۲). این عوامل سبب شد که در دوره غیبت صغری، در کنار وجود وفاداران به امامت، گروه‌هایی انحرافی نیز پدید آیند که تفسیرهای متفاوت و گاه نادرستی از حقیقت امام و جانشینی او ارائه می‌کردند. درگیری‌های درون گروهی (اقبال، ۱۳۱۱: ۱۱۶-۱۱۱، ۲۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۴۶ و ۲۴۷)^۱ تغییر مذهب (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲ و ۱)، بروز اختلافات و تشکیل فرقه‌های پرشمار، در این دوره که برخی شمار آنها را به ۱۴ فرقه نیز رسانده‌اند، اساس مذهب تشیع را در معرض خطر قرار داده بود (نوبختی، ۱۳۵۵ق: ۷۴).

دوره غیبت صغری (۲۶۰ تا ۳۲۹ق) یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مراحل تاریخ شیعه است. در این دوره، امام مهدی علیه السلام از دید عمومی غایب بود. نهاد وکالت و مهم‌ترین بخش آن یعنی سفرای چهارگانه، در دوره غیبت صغری به عنوان مهم‌ترین نقطه اتصال میان امام دوازدهم و شیعیان بوده‌اند. عالمان نیز در راستای تلاش‌های ایشان برای حفظ اندیشه و اساس مذهب شیعه از گزند، فعالیت می‌کردند. برقراری ارتباط با وکیلان امام و نمایندگان ایشان از جمله تدابیری بود که برای صحت سنجی اندوخته علمی خود اندیشیده بودند. وکلا اربعه به‌عنوان نمایندگان ویژه امام، وظیفه هدایت شیعیان، پاسخ به مسائل دینی و اجتماعی،

۱. درگیری میان شلمغانی و حلاج با ابوسهل نوبختی و حسین بن روح را می‌توان نام برد.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به ابوالحسین هارونی اشاره کرد.

و نظارت بر مسائل فقهی را بر عهده داشتند. هر کدام از این وکلا نقش مهمی در شکل دهی و گسترش مفاهیم فقهی، کلامی و اجتماعی شیعه ایفا کردند.

نهاد وکالت به ویژه نائبان چهارگانه در نگاه شیعیان و بزرگان امامیه به عنوان حلقه وصل میان شیعیان و امام شان شهرت داشتند. آنها به سبب این احتمال که در صورت شرکت در مباحث عالمانه مورد توجه قرار گیرند و به دنبال آن نام شان به عنوان عالم شیعه مطرح گردد، به دلیل شرایط ویژه شیعیان و نیز لزوم پایبندی به تقیه و پنهان ماندن فعالیت های نیابتی خود از شرکت در این گونه مباحث خودداری می کردند. استفاده از نام مستعار درباره سفیران همچون محمد بن حفص برای سفیر دوم، محمد بن عثمان، را می توان به عنوان سندی بر دقت در پنهان کاری ایشان مورد توجه قرار دارد (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۵۳۳).^۱ بنابراین هرگونه جایگاهی که شیعیان برای سفیران قائل هستند نه از جهت موقعیت علمی آنها که به دلیل برخورداری از جایگاه ویژه در نهاد وکالت می باشد.

در این پژوهش به دنبال آن هستیم با مراجعه به متون روایی - تاریخی نقش وکیلان چهارگانه در انتقال مضامین شیعی، از جمله مسائل فقهی، کلامی و اجتماعی، را به تصویر کشیده و روشن نمائیم این مضامین را در چه چارچوبی می توان قرار داد. از این طریق با ارائه یک گونه شناسی از مضامین شیعی منتقل شده از سوی وکیلان چهارگانه در دوره غیبت صغری، نقش وکلای اربعه در شکل گیری تحولات فقهی، کلامی و اجتماعی شیعه در آن دوره تبیین گردد.

مقالات و کتاب هایی که تاکنون به سازمان وکالت و وکلای چهارگانه پرداخته اند، به بحث نقش ایشان در تولید و یا انتقال معارف شیعی اهتمام نداشته؛ اما سایر جنبه های فعالیت ها و اقدامات ایشان در دوره غیبت صغری مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته است، از میان آنها به چند مورد اشاره می گردد. مقاله «واکاوی چرایی باورمندی شیعیان امامی به وکلای اربعه در غیبت صغری» نوشته مجید احمدی کچایی و علی جهانی فرد و حسین جهانی فرد در نشریه مشرق موعود منتشر گردیده است. مقاله «اعتبارسنجی آموزه بابیت امامان در عصر حضور تا پایان غیبت صغری بررسی منبع شناختی» که به وسیله نعمت الله صفری فروشانی نگاشته و در نشریه تاریخ اسلام منتشر شده است. مجید احمدی کچایی و محمد مهدی

۱. «حفص بن عمرو کان وکیل ابی محمد و اما ابو جعفر محمد بن حفص بن عمرو فهو ابن العمرو و کان وکیل الناحیه و کان الامر یدور علیه».

صمصامی مقاله «بررسی عملکرد نهاد و کالت در دوران اختفا و زندان حسین بن روح نوبختی» را در نشریه مشرق موعود منتشر کرده‌اند. مقاله «نقش سیاسی و فرهنگی حسین بن روح نوبختی در بازه زمانی غیبت صغری» نگاشته مجید احمدی کجایی در نشریه مشرق موعود چاپ شده است. مقاله «اثبات تاریخی وجود امام زمان از راه بررسی منصب وکالت در عصر غیبت صغری» نگاشته حسین قاضی خانی نیز در نشریه مشرق موعود به چاپ رسیده است. همچنین مقاله «تحلیلی بر نقش محمد بن عثمان در سامان‌دهی شیعیان امامی در غیبت صغرا» را مجید احمدی کجایی در نشریه انتظار موعود به چاپ رسانده است. آنچه سبب گردیده این پژوهش با آثار پیش‌گفته متمایز باشد، گونه‌شناسی مضامین شیعی است که وکلای چهارگانه در تولید یا انتقال آنها نقش‌آفرین بوده‌اند.

بررسی تراث منتقل شده در آموزه‌های شیعی

تراث شیعی که به وسیله وکلا اربعه امام مهدی علیه السلام در دوره غیبت صغری منتقل شده‌اند، شامل مجموعه‌ای از مفاهیم و آموزه‌های دینی، فقهی، کلامی و اجتماعی هستند که به‌ویژه در مکاتبات و نامه‌های وکلا اربعه با شیعیان مشاهده می‌شود. این آموزه‌ها نه تنها در تبیین اصول شیعه و توضیح مسائل دینی به شیعیان کمک کردند، بلکه در شکل‌گیری تفکر و هویت شیعی در آن دوران نیز تأثیرگذار بودند و در زمینه‌های مختلف فقهی و کلامی پایه‌گذار بسیاری از مفاهیم و اصول شیعی در دوران غیبت کبری شد. کارگزاران چهارگانه با پاسخ‌های فقهی، توضیحات کلامی و هدایت‌های اجتماعی، شیعیان را در شرایطی که دسترسی به امام معصوم ممکن نبود، هدایت کرده و اصول شیعه را در دوران غیبت استحکام بخشیدند.

در مجموع ۹۲ توقیع در دو کتاب *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* نوشته شیخ صدوق و *الغیبه* اثر شیخ طوسی آمده است که پس از حذف موارد مشترک ۸۰ توقیع باقی می‌ماند.^۱ این توقیعات در موضوعات گوناگون صادر شده و به اطلاع شیعیان رسیده است؛ می‌توان توقیعات را در یک دسته‌بندی کلی براساس موضوع آنها تقسیم نمود.

رازدانی و خبر از امور پنهان

این توقیعات، نامه‌هایی است که از رازهای پنهان خبر می‌دهند. درون‌مایه این اخبار نشان‌دهنده صحت و راستی آنهاست (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۸۸ و ۴۹۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۴-).

۱. برای مطالعه مجموعه کامل توقیعات، رک: سیدمحمد خادمی شیرازی، تحفه امام مهدی علیه السلام، تهران: موعود عصر، ۱۳۸۰.

مسائل مربوط به غیبت امام

تلاش جدی دولت عباسی برای یافتن امام عصر عجل الله تعالی فرجه امکان آشکار شدن حضرت را از بین برده بود. همچنین جعفر برادر امام حسن عسکری علیه السلام شبهاتی را منتشر کرده و مردم را به خود دعوت می کرد. این موارد، اشکالاتی را به ذهن شیعیان القا کرده بود که امام براساس وظیفه ارشادی و هدایتی که دارد، باید پاسخگوی آنها و برطرف کننده شبهات می بود. شماری از توقیعات به موضوعاتی مانند نهی از نام بردن از امام غائب، مشخص نکردن وقت ظهور، بیان دلایل غیبت و مانند این عناوین است که به صورت مستقیم به مسائل مربوط به غیبت می پردازند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۲-۳۳۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۸۲ و ۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۰-۲۹۳ و ۲۹۶-۲۹۷).

پاسخ به مسائل اعتقادی

برخی از توقیعات در پاسخ به شبهات و پرسش هایی در حوزه مسائل اعتقادی است؛ که در این دوره اصلی ترین محور مباحثات علمی و منازعات فرقه ای، موضوع امامت و وقوع غیبت امام دوازدهم است. برخی گروه ها پس از آن دوره هنوز هم درباره آن بحث و گفتگو می کردند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۸۳-۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۵-۲۸۷ و ۲۹۰-۲۹۳) به دلیل آن که برخی از این گونه توقیع ها به خط امام نگاشته شده (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۵)^۱ حائز اهمیت هستند.

اموال رسیده به امام

دریافت وجوهات شرعی، هدایا و موقوفات امام وظیفه کلیدی وکیلان و سفیران به شمار می رود. دریافت این وجوهات و نیز صرف آنها در اختیار سفیران بود که در برخی موارد توقیعاتی درباره دریافت این اموال و شرح آنچه دریافت شده به عنوان رسیده صادر می گردید (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۴-۲۹۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۸۵-۴۸۶).

تکذیب مدعیان

زیست پنهانی امام دوازدهم وسیله ای در دست مدعیان دروغگو بود تا از این طریق شیعیان ناآگاه را دچار تردید کرده و عقاید ایشان را مورد امام متزلزل نمایند و یا از امکانات و وجوهای

۱. فوردجواب کتابهم بخطه علیه و علی آبائه السلام.

که شیعیان در اختیار سفیران و وکلای امام قرار می‌دادند بهره‌برداری کنند. امام توقیعاتی در نکوهش، تکذیب و لعن آن دروغگویان صادر و به وسیله سفیران در میان شیعیان منتشر می‌نمود (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۷-۴۱۲).

گونه‌شناسی آموزه‌های منتقل شده به وسیله سفیران

غیبت و ارتباط با امام مهدی علیه السلام

غیبت امام و ضرورت آن: کارگزاران چهارگانه به‌طور مداوم مفهوم غیبت امام مهدی علیه السلام را توضیح می‌دادند و به شیعیان یادآوری می‌کردند که غیبت برای حفظ جان امام و برای بسط دین و عدالت در آینده ضروری است. محمد بن عثمان از پدرش روایتی را نقل می‌کند که در آن امام عسکری علیه السلام از خالی نبودن زمین از حجت الهی در هیچ زمانی خبر می‌دهند، امام عسکری علیه السلام معرفت نسبت به امام را اصلی‌ترین وسیله برای نجات از مرگ جاهلی عنوان کرده است. در این روایت امام با معرفی فرزندشان به عنوان امام پس از خود، غیبت امام و نیز حیرت و سرگردانی که پس از آن برای جاهلان روی می‌دهد را به شیعیان اعلام می‌کنند. همچنین امام افرادی را که برای ظهور زمان معین می‌کنند را دروغگو خطاب کرده است (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۹۶). امام همچنین به توالی جانشینان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا امامت و غیبت دوازدهمین امام اشاره کرده که می‌تواند به عنوان استدلالی درباره جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، عملکرد ایشان و تأکید بر وجود حجتی از جانب خداوند در میان انسان‌ها حتی اگر غائب باشد، را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دوره غیبت صغری باید برای شیعیان تثبیت می‌شد، دانست؛ زیرا آغاز غیبت کبری باید با پذیرش متقن غیبت امام از سوی شیعیان همراه می‌گردید (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۵۱۰-۵۱۱).

امام همچنین به توالی جانشینان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا امامت و غیبت دوازدهمین امام اشاره کرده که می‌تواند به عنوان استدلالی درباره جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، عملکرد ایشان و تأکید بر وجود حجتی از جانب خداوند در میان انسان‌ها حتی اگر غائب باشد، را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دوره غیبت صغری باید برای شیعیان تثبیت می‌شد، دانست؛ زیرا آغاز غیبت کبری باید با پذیرش متقن غیبت امام از سوی شیعیان همراه می‌گردید (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۵۱۰-۵۱۱).

انتظار و امید به ظهور: وکیلان چهارگانه مفهوم «انتظار» را به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول شیعی در دوره غیبت تأکید می‌کردند و شیعیان را به صبر و انتظار برای ظهور امام مهدی علیه السلام

دعوت می‌کردند. در مباحثه‌ای که میان عبدالله بن جعفر حیمری و عثمان بن سعید در حضور احمد بن اسحاق روی داد، حمیری با اذعان به این‌که حجت تا روز قیامت در میان مردم و روی زمین حاضر است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۹-۳۶۱).

وکلائی امام: وکلائی اربعه به عنوان نمایندگان امام در دوره غیبت صغری، واسطه میان امام و شیعیان معرفی شده‌اند. شیخ صدوق ایشان را به عنوان نواب معرفی و صدور توقیع و دریافت اموال شیعیان را از امور مختص به آنها دانسته است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۹). ایشان شیعیان را از وقوع غیبت مطلع کرده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۰) و درصدد بازیابی فعالیت‌های نهاد وکالت در این دوره برآمده و در تلاش برای رفع حیرت سایه افکننده بر جامعه شیعه بودند.

راهبری شیعیان در امور مذهبی

ایجاد هماهنگی‌های درونی شیعیان از سوی وکلائی اربعه: وکیلان به عنوان افراد شاخص در میان نمایندگان امام مهدی (عج)، نقش هماهنگ‌کننده فعالیت‌ها جامعه شیعی را بر عهده داشتند. آنها در مسائل مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی که از سوی شیعیان مورد سؤال قرار می‌گرفتند، نظرات و دستوراتی را به شیعیان منتقل می‌کردند. در آثار نگاشته شده در این دوره نمی‌توان روایت‌های پرشمار و در موضوعات گوناگون از سفیران یافت این درحالی است که برخی از نویسندگان این عصر خود در شمار وکلا بوده و یا با آنها ارتباط داشتند. از جمله مسائلی که شیعیان در دوران غیبت صغری با آن مواجه بودند، بروز شک و تردید درباره امام غائب و نیز تلاش برای یافتن پاسخ متقن برای این شک بود. در گزارشی از تلاش یکی از شیعیان برای یافتن حقیقت و نیافتن پاسخی که او را به یقین برساند، از حسین بن روح چاره‌جویی می‌شود که او نتیجه طلب و جستجوی بیش از حد را ذلت و در نهایت شرک عنوان می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۳).

شیخ طوسی گزارشی از ارتباط علی بن بابویه با سفیر سوم را آورده (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۶۸۷)، اما خود ابن بابویه نه از سفیر سوم و نه سایر سفیران در کتاب *الامامه والتبصوه من الحیره* گزارشی نیاورده است. بلکه این گزارش از سوی فرزندش شیخ صدوق در کتاب *کمال‌الدین* به نقل راوی دیگری جز پدرش نقل شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۰۲). در میان این علما شیخ کلینی که مقارن این دوره در بغداد ساکن بوده تنها از سفیر اول و دوم روایات محدودی آن هم در موضوعاتی مرتبط با تولد امام، امکان رؤیت ایشان و نهی از نامیدن امام را ذکر کرده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۷۰) که آن نیز به نقل از راوی دیگری است، وی اشاره‌ای به جایگاه

و فعالیت‌های ایشان نداشته است. افزون بر آن تأکید کلینی بر روایات نهی از نامیدن امام احتمال دارد، به جهت دوری از خطرات احتمالی است که امام و سفیران را تهدید می‌کرد (فروشانی و کجایی، ۱۳۹۱ش: ۱۴۱).

پس از انتشار خبر انحراف محمدبن علی شلمغانی، شبهاتی برای شیعیان و از جمله عالمان ایجاد شد که وظیفه ایشان در قبال احکام و دستوراتی که از او شنیده‌اند چیست؟ همچنین پاسخ سوالات ایشان از سوی چه کسی و از چه منبعی است؟ حسین بن روح کاری که امام عسکری علیه السلام در مورد بنی فضل انجام داد را به ایشان یادآوری کرده و اعلام می‌کند هر آنچه از امام و منبع اصلی گفته را بپذیرید و هر آنچه بیان خود اوست وانهید (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۰) در جای دیگر تصریح می‌کند هر آنچه از شلمغانی و ابن بلال و سایرین در زمان استقامت‌شان دریافت داشته‌اید، مورد تأیید است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۳) او تأکید می‌کند فردی که پاسخ به سوالات ایشان را داده خودش بوده و پاسخ‌ها مورد تأیید امام هستند و او از جانب خود چیزی نگفته است (همان).

لزوم پیروی از وکلای اربعه: ایشان تأکید می‌کردند که در غیبت امام، شیعیان باید از آنها پیروی کرده و به آنها در مسائل فقهی و دینی مراجعه کنند. سفیران چهارگانه در این دوره به دور از هرگونه حاشیه به دنبال انجام مأموریت‌های خود در نهاد وکالت بودند و احتمال دارد به دلیل عدم تمایل به جلب نظر مخالفان، به ویژه در مباحثات علمی شرکت نمی‌کردند. از آن رو شیعیان را برای دریافت پاسخ‌های متقن به عالمان شیعه ارجاع می‌دادند؛ با این وجود گزارشی از مورد سوال واقع شدن محمدبن عثمان و تأکید شیعیان بر مرجع بودن وی در زمان بروز شبهات وجود دارد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۳-۲۹۴).^۱ وی در پاسخ به شبهه‌ای که در مورد تفویض مطرح گردید، با بیان این که خالق و رازق خداوند است و ائمه علیهم السلام کسانی هستند که از خداوند تقاضا نموده و خداوند اجابت می‌نماید، به تبیین موضوع تفویض مورد پذیرش شیعه می‌پردازد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۴).^۲ همچنین بخشی از تلاش‌های حسین بن روح به رد شبهات مفوضه برمی‌گردد؛ از آن جا که جریان مفوضه در دوره او هنوز فعال بوده و به ترویج عقاید خود می‌پرداخت، ابن روح نیز چون پیشینیان خود به شبهات ایشان پاسخ داده و ائمه را مجرای اراده الهی دانسته که جز آنچه اراده او بر آن تعلق گرفته از سوی ایشان تقاضا نمی‌شود و حتی

۱. «... مَا بِالْكُمْ لَا تَرْجِعُونَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمَرِيِّ فَتَسْأَلُونَهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُوضِّحُ لَكُمْ الْحَقَّ فِيهِ فَإِنَّهُ الظَّرِيقُ إِلَى صَاحِبِ الْأَمْرِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ...».

۲. «... وَأَمَّا الْأَيْمَةُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَيَسْأَلُونَهُ فَيَبْزُقُ إِيَّاجَاباً لِمَسْأَلَتِهِمْ وَإِعْظَاماً لِحَقِّهِمْ».

برای لحظه‌ای خود را بی‌نیاز از او نمی‌دانند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۸۷).

روایت‌هایی که به لزوم رازداری در امور مربوط به امام غائب و نیز بیان خبر ولادت و وقوع غیبت امام در میان شیعیان اشاره می‌کند و از این طریق به آگاهی دقیق شیعه نسبت به امام دوازدهم و غیبت او کمک می‌کند را می‌توان به عنوان بخشی مهم از آموزه‌های شیعی دانست، که براساس آنها گزارش‌های مورد اعتماد از امام دوازدهم به وسیله سفیران چهارگانه و برخی دیگر از وکلا به عنوان کارگزاران امام به جامعه شیعه انتقال یافته و به دلیل جایگاه ویژه‌ای که این افراد در میان شیعیان داشتند سبب تثبیت این گزاره‌ها در منظومه اعتقادی شیعه امامی گردیده است.

مسائل فقهی و احکام دینی

پاسخ به سؤالات فقهی: وکلای اربعه به طور مستمر به سؤالات فقهی شیعیان پاسخ می‌دادند. این سؤالات معمولاً در مورد عبادات، معاملات، ازدواج، طلاق، مسائل مالی، و سایر احکام شرعی بودند. در دوره غیبت صغری، فقه شیعه در حال تکامل و نهادینه شدن بود. شیعه در این دوران با مسائل پیچیده فقهی روبه‌رو شد و وکلای اربعه با پاسخ به سؤالات فقهی و دینی شیعیان، به تثبیت اصول فقهی و توسعه اجتهاد در مکتب شیعه کمک کردند. این موارد شامل مسائل فقهی متعددی بودند که در آن زمان مطرح شدند. پاسخ به مسائل فقهی روزمره، کارگزاران چهارگانه به طور مستقیم به سؤالات فقهی که از سوی شیعیان مطرح می‌شد، پاسخ می‌دادند. این مسائل می‌توانستند شامل نماز، روزه، احکام معاملات، جهاد، ازدواج و طلاق و یا سایر مسائل اجتماعی و فقهی باشند. این پاسخ‌ها، که غالباً به صورت مکتوب در قالب نامه‌ها و مکاتبات منتشر می‌شدند، به استحکام و گسترش فقه شیعه در آن دوران کمک کردند.

در گزارشی از محمدبن عثمان ضمن توقیعی به بیان حکم پوشیدن پوست برخی حیوانات که از او پرسیده شده بود می‌پردازد (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۰۲-۷۰۳). در توقیع دیگری پاسخ به سؤال محمدبن جعفر اسدی درباره رعایت اوقات نماز از طریق او گزارش گردیده که در آن تأکید به اقامه آن در اول وقت شده است. در این توقیع همچنین به برخی احکام مالی شیعیان اشاره داشته است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۲۰).

توقیعات عبدالله بن جعفر حمیری که پاسخ سؤالات فقهی او را در بردارند، از طریق محمدبن عثمان به دست او رسیده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۴). همچنین احمدبن اسحاق

نیز پرسش‌های فقهی خود را به دست او رسانده و پاسخ را از او دریافت کرده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۳ - ۴۸۵).

شیخ صدوق در گزارشی که ذیل حکم افطار عمدی روزه آورده، حکم خود را مبتنی بر رأی محمدبن عثمان در این باره دانسته است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۱۸).

استمرار و تجدید فقه شیعه: وکلای اربعه در گسترش فقه شیعه، اصول جدیدی از اجتهاد را در شرایط خاص غیبت معرفی کرده و بر لزوم استفاده از منابع معتبر دینی برای حل مسائل جدید تأکید می‌کردند. ایشان در دوران غیبت صغری با مواجهه با شرایط خاص غیبت امام معصوم علیه السلام، اصول جدیدی از اجتهاد را ارائه کردند. زیرا جایگاهی که برای خود ترسیم کرده بودند مرجعیت دینی و فقهی نبود و خود نیز به عالمان مراجعه می‌کردند. این مهم‌ترین تحول فقهی شیعه در این دوران بود، چرا که فقه شیعه از یک نگرش کلامی به یک سیستم فقهی مستقل تغییر جهت داد. این تحول به‌ویژه از این جهت اهمیت دارد که باعث شد شیعه در دوران غیبت با وجود عدم دسترسی مستقیم به امام معصوم علیه السلام، هم‌چنان به حیات فقهی خود ادامه دهد و قواعد فقهی جدیدی شکل گیرد.

وکلای اربعه در شرایطی که امکان دسترسی مستقیم به امام معصوم علیه السلام وجود نداشت، به عنوان رابط میان امام و شیعیان عمل کردند. این پدیده نه تنها جایگاه اجتهاد را تثبیت کرد بلکه به طور غیرمستقیم فرآیند پاسخگویی به مسائل فقهی جدید را از طریق فقها و اجتهاد رایج در آن زمان تسهیل ساخت. بنابراین، در این دوره، فقه به‌ویژه از نظر اصولی، بیشتر به متنی انعطاف‌پذیر تبدیل شد که می‌توانست در پاسخگویی به نیازهای جدید شیعیان مؤثر باشد. دستور امام در توقیع اسحاق بن یعقوب به مراجعه به راویان و فقها به عنوان حجت امامی نشان‌دهنده جایگاه برجسته فقها و وکلای اربعه است. امام به وضوح اعلام کرده است که فقها و علما واسطه‌های معتبر برای دریافت فتوا هستند و این تصمیم امام نه تنها به تثبیت جایگاه فقها منجر شد بلکه اصولی از اجتهاد را در عمل معرفی و نهادینه کرد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۱).^۱ وکلای اربعه در تعامل با فقها، به‌ویژه در پاسخگویی به مسائل فقهی پیچیده، نه تنها به ارائه نظرات اجتهادی می‌پرداختند بلکه در بسیاری از موارد با مشورت با دیگر علما و فقها، دیدگاه‌های مختلف فقهی را مدنظر قرار می‌دادند. این نوع تعامل، نشان‌دهنده نظام اجتهادی پویا در میان علمای شیعه در دوران غیبت است که به تدریج به

۱. «... وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ خُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...».

شکل‌گیری یک سیستم فقهی مستقل در شیعه منجر شد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۳). وکلای اربعه در این دوران، مرجعیت دینی را در سطح فردی برای خود نمی‌خواستند و هدف آنان حفظ و گسترش علم و فقه شیعه بود. این امر از طریق ارسال کتب فقهی و مشورت با علما و مراجع مختلف قابل مشاهده است. حسین بن روح با ارسال کتاب *التأدیب* برای علمای قم، نشان داد که وکلای اربعه در حقیقت در مقام تقویت و تثبیت مرجعیت علمی و فقهی شیعه بوده‌اند و نه در مقام مرجعیت فردی برای خود (همان: ۳۹۰) از آن جا که وکلای اربعه با تقسیم وظایف خود و تعامل با فقها، اصول و قواعد جدیدی را در فقه شیعه معرفی کردند، این اصول و قواعد در دوران غیبت کبری به عنوان مبنای فقه شیعه در آینده مورد استفاده قرار گرفت. وکلای اربعه به طور مؤثر زمینه ساز نهادینه شدن اصول فقهی در شیعه شدند که بعدها در دوران غیبت کبری گسترش یافته و تبدیل به سیستم فقهی پیچیده و منسجم‌تری گردید (شبیروی زنجانی، ۱۳۸۹ش: ج ۱، ۱۷۳-۱۷۴؛ ۶۷؛ Heern: 2018; 97; Heern, 2011).

مهدویت و ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام

کارگزاران چهارگانه با تبیین مفهوم غیبت امام مهدی علیه السلام، مفهوم انتظار و ظهور را در میان شیعیان نهادینه کردند. آنها به شیعیان یادآوری می‌کردند که اگرچه امام غایب است، ولی هم‌چنان نظارت و هدایت ایشان بر جامعه شیعه برقرار است. این مفاهیم به‌ویژه در مقابله با شبهات و تهدیدات دشمنان مذهب، اهمیت ویژه‌ای داشت.

ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام: وکلای اربعه مفاهیم مختلفی درباره ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام از جمله علم لدنی، قدرت‌های خاص و هدایت امام را مطرح کرده و به شیعیان یادآوری می‌کردند که امام مهدی علیه السلام بر تمامی امور دینی و دنیوی نظارت دارد، هرچند که به صورت فیزیکی در میان آنها حضور ندارد. گزارش‌هایی از محمد بن عثمان درباره حضور همه ساله امام در موسم حج و در میان مسلمانان وجود دارد، او تأکید می‌کند امام در میان شیعیان نیز ناشناس است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۴۰).

اعتقاد به قدرت ارتباط با امام: وکلای اربعه به شیعیان می‌گفتند که امام مهدی علیه السلام با آنان ارتباط دارد و از اوضاع و احوال جامعه آگاه است. این مفهوم به‌ویژه برای تقویت اعتماد و امید شیعیان به امام در دوران غیبت بسیار مهم بود. از ابو عمرو در مورد امام سوال شد؛ عثمان بن سعید ضمن تأیید ملاقات با امام نسبت به بیان نام امام از نهی ایشان خبر داده و تأکید کرد باید خبر ولادت مخفی بماند تا حکومت در اشتباه خود باقی بماند و از جستجو دست بردارد؛

چراکه اگر نام منتشر شود به دنبال آن جستجو هم آغاز می‌شود (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۹-۳۶۱). در جای دیگر محمدبن عثمان، روای سخن امام مبنی بر خطرات ناشی از افشای نام و نشان ایشان است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۲۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۲). نیز در روایتی دیگر محمدبن همام از او نقل کرده که امام عدم رازداری در امور مربوط به خود را سبب لعن افراد دانسته است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۳).^۱

حسین بن روح نیز در تبیین مسائل اساسی امامیه تلاش بسیار داشته و از آن جمله می‌توان به پاسخ‌هایی که به سؤالات برخی شیعیان درباره دلیل تسلط دشمنان بر امام حسین (علیه السلام) داشتند اشاره داشت؛ او برخی ویژگی‌های حجج الهی را بیان کرده، از جمله این که خداوند انبیاء را از جنس بشر آفرید و برای هریک معجزه‌ای مقرر فرمود که به وسیله آن در هدایت انسان‌ها بکوشند، سپس هر یک را به شیوه‌ای خاص مورد امتحان قرار داد، و در ادامه تأکید می‌کند که اگر این نبود مردم آنها را پرستش می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ۲۴۱-۲۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۴).^۲ وی در انتها تأکید می‌کند که این استدلال را از امام آموخته است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۲).

مسائل اجتماعی و سیاسی

مقاومت در برابر ظلم و فساد حکومتی: وکیلان چهارگانه در دوره‌ای که حکومت‌های مختلفی در دنیای اسلام، از جمله خلافت عباسی، بر شیعیان فشار وارد می‌آوردند، به شیعیان توصیه می‌کردند که در مقابل ظلم و فساد حکومتی سکوت نکنند، ولی در عین حال از درگیری‌های علنی خودداری کنند تا به جان امام و شیعیان آسیبی نرسد. آنها در برخی موارد حتی از طریق مکاتبات خود، شیعیان را به اقدامات سیاسی غیرمستقیم دعوت می‌کردند، بدون آنکه خطر آشکار درگیری با حکومت‌ها به وجود آید. در تلاش برای محافظت از شیعیان از آسیب‌های احتمالی دستوراتی را به شیعیان ابلاغ می‌کردند از جمله در دوره‌ای ایشان را از زیارت کاظمین و کربلا منع کردند (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۴) و یا در دوره‌ای دریافت وجوهات بدون ارائه رسید انجام می‌شد (همان: ۳۷۰).

حفظ انسجام و وحدت شیعه: در شرایطی که شیعیان در اقلیت بودند و تحت فشارهای اجتماعی و سیاسی قرار داشتند، وکلای اربعه به حفظ وحدت و انسجام جامعه شیعی تأکید

۱. «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ».

۲. «... بَلْ دَلَّكَ عَنِ الْأَصْلِ وَ مَشْمُوعٌ عَنِ الْحُجَّةِ».

می‌کردند. آنها از شیعیان می‌خواستند که در تعاملات اجتماعی خود یکپارچگی را حفظ کنند و به مسائل داخلی جامعه شیعه توجه کنند. همچنین وکلای اربعه در این دوره حساس، با برخورد با نظریات و اندیشه‌های مخالف، نظرات کلامی خود را به طور مستند بیان می‌کردند. این اقدام‌ها به تثبیت مفاهیم شیعی و رد شبهات (که معمولاً درباره مسائل امامت، غیبت و معنای حقیقی امام مطرح می‌شد) کمک می‌کرد. وکیلان چهارگانه به شیعیان یادآوری می‌کردند که علیرغم غیبت امام، هویت دینی و اجتماعی شیعه باید حفظ شود.

تلاش‌های سفیران نیز در مسیر حراست از اندیشه شیعه و اصول اعتقادی آن از هرگونه انحراف، ایشان را برآن داشت تا منحرفین را در هر کسوت و جایگاهی که هستند معرفی نموده و شیعیان را از همنشینی با ایشان برحذر دارند. در گزارشی شیخ طوسی از حضور شیعیان در مجلسی با حضور محمدبن عثمان خبر داده، زمانی که احمدبن محمدبن عثمان، ابوبکر بغدادی، قصد ورود به آن را داشت، محمدبن عثمان شیعیان را از ادامه سخن بازداشت و به صورت آشکار از عدم ارتباط اندیشه ابوبکر بغدادی^۱ با آنها، خبر داده و ایشان را مطلع می‌گرداند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۴).

شیخ طوسی در گزارشی به مباحثه ابی غانم قزوینی (م پس از ۲۶۰ق) و گروهی از شیعیان درباره جانشینی امام عسکری (ع) و نگاشتن نامه از سوی ایشان و درخواست پاسخ از امام را گزارش می‌کند. بخشی از پاسخ که روایت‌کننده آن محمدبن عثمان است، امام از خداوند حفظ از فتنه‌ها و گمراهی‌ها و نیز فزونی یقین را تقاضا کرده، سپس نسبت به سیره و روش پدربزرگوارشان تأکید کرده و خود را به عنوان جانشین و وارث او معرفی کرده است که به دلیل شرایط امکان اظهار آن و برطرف ساختن شک‌ها مهیا نیست (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۲-۱۷۳). امام در این توقیع به روشنی به بیان اندیشه امامت و غیبت پرداخته و تلاش داشته تا نسبت به بروز شک و تردید و نیز تفرقه در میان شیعیان هشدار داده و آنها را به یکپارچگی فراخواند.

حسین بن روح در جای دیگر از مسموم شدن و شهادت امام کاظم (ع) و سایر فرزندان امام از میان ائمه (ع) خبر داده است، «همانا پیامبر (ص) و امامان همگی به وسیله شمشیر یا سم از دنیا رفته‌اند» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۸۸). با بیان این نکات درصدد برآمد تا شهادت و نیز توالی جانشینی میان امامان تا دوره غیبت را در میان شیعیان مطرح کرده و از این رهگذر شبهات

۱. محمدبن احمدبن عثمان، برادرزاده سفیر دوم محمدبن عثمان عمری.

پیروان فرقه‌های واقفی را پاسخ دهد.

آموزه‌های اخلاقی و تربیتی

حفظ تقوا و پرهیز از فساد: وکلای اربعه بر لزوم تقوا، اخلاق نیکو و پرهیز از فساد در جامعه تأکید می‌کردند. در نامه‌های خود به شیعیان، به مسائلی مانند صداقت، امانت‌داری، رعایت حقوق دیگران، و پرهیز از گناه اشاره می‌کردند. حسین بن روح همچنین از جمله دلایل برتری حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر سایر فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را آگاهی خداوند از خلوص نیت آن حضرت دانسته است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۸۸).

از ابوجعفر روایاتی با موضوعات تربیتی و احکام عملی، نقل گردیده است. در روایتی پس از اشاره به مراتب ایمان توجه را به این نکته جلب می‌کند که هر کس در هر مرتبه‌ای از ایمان و معرفت که قرار دارد باید تمرکز خود را برای رسیدن به مرتبه بالاتر قرار دهد ولی نسبت به فردی که در مرتبه پایین‌تر قرار دارد سخت‌گیری نکند تا او نیز اشتیاق به رشد را از دست ندهد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۴۴).

سفیران امام در مواردی به بیان وظایف فردی و شیوه رفتار مورد پسند پرداخته و برای اصلاح عملکرد شیعیان در جامعه اهتمام داشته‌اند. عثمان بن سعید، پیش از عصر غیبت با توجه به فعالیت در نهاد وکالت به احتمال در جمع راویان احادیثی که از امام دهم و یازدهم روایت شده‌اند حضور داشته است. در روایتی که از امام نهم نقل شده از او به عنوان راوی نام برده‌اند. در این روایت وی دستور امام را درباره لزوم امانت‌داری به شیعیان منتقل می‌کند، امام امر می‌کند امانت را بدون توجه به تفکرات و عقاید فرد باید به صاحبش بازگرداند و نیز در صورت استفاده از آن، ضامن بوده و باید جبران کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۹۴ و ج ۶، ۵۴۰).^۱ همچنین روایتی درباره حرمت یک عمل و نتیجه اصرار بر آن گناه، تنبیه فرد مرتکب به همان وسیله‌ای است که خداوند امت‌های پیشین مبتلا به آن گناه را تنبیه کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۵۴۸)^۲ همچنین روایتی دیگر درباره درستی مالکیت فرد بر اموالش در زمانی که فرد زنده است، از طریق او به دست شیعیان رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ۸).^۳ گزارش‌هایی از سفیران امام در متون روایی به دست ما رسیده، که توجه به اعمال شیعیان

۱. «... لَيْسَ عَلَيْكَ ذَنْبٌ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَخُونُ».

۲. «... لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْمِيَهُ اللَّهُ بِخَجَرٍ مِنْ تِلْكَ الْجَخَارَةِ تَكُونُ فِيهِ مَبِيتُهُ وَلَا يَرَاهُ أَحَدٌ».

۳. «... الْإِنْسَانُ أَخْفَى بِمَا لَيْهِ مَا دَامَ الرُّوحُ فِي بَدَنِهِ».

از جمله لزوم توجه زیارت مزار ائمه علیهم السلام را مورد تأکید قرار داده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ۹۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: «ب»: ج ۲، ۸۲۱-۸۲۲). همچنین آموزش برخی ادعیه مانند دعای سمات که از عثمان بن سعید نقل شده (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۴۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: «ب»: ج ۱، ۴۱۶) یا دعای افتتاح را که ابابکر بغدادی به عنوان یکی از اعمال محمد بن عثمان در ماه مبارک رمضان گزارش کرده است (سید بن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۵۸). همچنین دعای هر روز ماه رجب از محمد بن عثمان را که شیخ طوسی نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: «ب»: ج ۲، ۸۰۳) همچنین زیارت رجبیه را که شیخ طوسی از حسین بن روح گزارش کرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: «ب»: ج ۲، ۸۰۵) این ادعیه را به عنوان بخشی از تلاش های وکلادر راستای ارتقای معنوی جامعه شیعه در دوران غیبت می توان برشمرد.

همچنین سفیران در جهت تعالی و رشد شیعیان به آموزش برخی اعمال عبادی چون نمازهای مستحبی پرداختند تا از این طریق رویکرد شیعیان در حل مسائل فردی، مالی و غیرمالی، توسل و تلاش توأمان باشد (طوسی، ۱۴۱۱ق: «ب»: ج ۲، ۸۱۶-۸۱۷ و ج ۱، ۳۳۰).

توصیه به صبر و شکیبایی: در شرایط سخت و فشارهای اجتماعی و حکومتی، وکلای اربعه به شیعیان توصیه می کردند که صبر پیشه کنند و در انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام ثابت قدم باشند. توقیع امام خطاب به محمد بن عثمان پس درگذشت پدرش نیز دربردارنده اطلاعات و آگاهی هایی است که برای شیعیان راهگشاست. در این توقیع امام برنامه های ائمه علیهم السلام را از سوی خدا مشخص و آنچه از عملکرد امامان گزارش شده را به امر پروردگار مستند دانسته است. امام شیعیان را در معرض آزمایش الهی دانسته و غیبت را از همین امور دانسته است. نیز در مورد غیبت و امر ظهور، نباید چون و چرا کرده، باید به طور کامل تسلیم باشند. دلیل غیبت را غربال شیعیان دانسته تا روشن گردد جز امام غائب همه مدعیان دروغگو هستند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۱۰-۵۱۱).

تشویق به عمل به «امور توقیعی»

پاسخ های توقیعی: در برخی از مواقع، وکیلان چهارگانه برای پاسخ به مسائل خاص و دشوار، نامه ها و پاسخ های توقیعی از امام مهدی علیه السلام دریافت می کردند و آنها را به شیعیان منتقل می کردند. این پاسخ ها در مسائل فقهی، کلامی و اجتماعی به طور مستقیم از امام مهدی علیه السلام صادر می شد و برای شیعیان به عنوان دستورالعمل های اجرایی معتبر تلقی می گردید. اطلاعات درباره شیوه و راهکاری که برای عرضه سؤالات به امام و دریافت پاسخ از ایشان وجود داشت

مُجَمَّل است و روایات نیز دیدگاه روشنی در این مورد ارائه نمی‌کنند. توقیعات معمولاً دستورالعمل به وکلا یا رسید نذورات و وجوهات بود ولی گاه پاسخ سؤالات شرعی و یا پاسخ به شبهات کلامی شیعیان نیز در آنها مطرح می‌گردید (همان: ج ۲، ۴۸۴).

موضوعات مربوط به اموال و خمس

مسائل اقتصادی شیعه: وکلای اربعه در زمینه جمع‌آوری و توزیع خمس و زکات و دیگر وجوهات شرعی فعالیت داشتند و به شیعیان توصیه می‌کردند که در این امور با آنها همکاری کنند. این درآمدها برای تأمین هزینه‌های دینی و اجتماعی جامعه شیعه استفاده می‌شد. این کارگزاران همچنین نقش واسطه میان امام و شیعیان را در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کردند. آنها به‌ویژه در توزیع خمس و زکات و دیگر وجوهات شرعی، در سازماندهی امور اجتماعی شیعیان نقش داشته و امور مالی جامعه شیعه را سامان می‌دادند. بیشترین فعالیت و گزارشی که از سفیران چهارگانه نیز به دست ما رسیده مربوط به دریافت وجوهات و هدایای شیعیان برای امام غائب است، از این رو بخش عمده این گزارش‌ها حکایت از اخبار غیبی سفرا درباره محتوای بسته‌هایی است که به وسیله پیک و یا نمایندگان شیعیان مناطق گوناگون به دست آنها می‌رسید (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۵۱، ۴۸۵-۴۸۶). در این میان برخی سؤالات از شیعیان به دست نایبان می‌رسید که از هزینه و یا استفاده این اموال برای خود و یا در مسیری به تشخیص خود، یا بهره‌برداری از موقوفات امام و استفاده از آنها، پرسش می‌شد. پاسخ به این نامه‌ها در قالب توقیعاتی که دربردارنده حکم حرمت استفاده شخصی از وجوهات و یا درآمد موقوفات امام است، داده شده است (همان: ج ۲، ۵۲۲).

مسائل مربوط به پایان دوران غیبت صغری

پیش‌بینی‌های مربوط به پایان غیبت صغری: وکلای اربعه در برخی از نامه‌ها به شیعیان خبر می‌دادند که غیبت صغری به پایان خواهد رسید و پس از آن دوره‌ای از غیبت کبری آغاز خواهد شد. این پیش‌بینی‌ها به شیعیان کمک می‌کرد که با امید و استقامت بیشتر به انتظار بمانند. در جای دیگر نیز به وجه دیگری از رازداری که همان تعیین نکردن زمان ظهور و به دنبال مکان امام نبودن است، اشاره داشته و افرادی که مرتکب آن شوند را دروغگو معرفی می‌نماید (همان: ج ۲، ۴۸۳).^۱

۱. «كَذِبَ الْوَقَاتُونَ».

علی بن محمد سمری (م ۳۲۹ ق) به عنوان آخرین سفیر دوران غیبت صغری معرفی گردیده و در توقیعی که خبر درگذشت او در آن اعلام شده خبر از آغاز دوره غیبت کبری داده شده، این توقیع را می‌توان به عنوان اعلامیه‌ای خطاب به شیعیان دانست که در آن شیعیان از تعیین وقت نهی شده‌اند و امر ظهور و زمان آن در احاطه قدرت خداوند اعلام گردیده، ادعای بابیت، نیابت و نیز ملاقات با امام رد شده است (همان: ج ۲، ۵۱۶). آخرین سفیر مهم‌ترین خبر را به آگاهی شیعیان رسانید و ایشان را نسبت به آغاز غیبت کبری و برخی نشانه‌های ظهور آگاه ساخت.

نتیجه‌گیری

وکلای اربعه در دوره غیبت صغری نقش حیاتی و محوری در هدایت فقهی، کلامی و اجتماعی شیعه ایفا کردند. در حوزه فقهی، آنها با در دسترس قرار دادن پاسخ‌های امام به توقیعات امکان تدوین اصول و قواعد جدیدی را برای فقه شیعه فراهم کرده و اجتهاد را در مکتب شیعه نهادینه ساختند. در سطح کلامی، وکیلان چهارگانه با تبیین مفاهیم مرتبط با غیبت و مهدویت، به تثبیت مبانی فکری و اعتقادی شیعه کمک کرده و ایشان را برای آغاز غیبت کبری مهیا کردند. از نظر اجتماعی و سیاسی نیز، آنها با هدایت و راهنمایی شیعیان در برابر تهدیدات حکومتی و اجتماعی، نقش مهمی در حفظ هویت شیعه و انسجام جامعه شیعی ایفا کردند. این تحولات، اساس و بنیان‌گذار اصول فقهی، کلامی و اجتماعی شیعه در دوران غیبت کبری و پس از آن بود. به همین دلیل هنگامی که خبر از آغاز غیبت کبری و عدم دسترسی مطلق به امام منتشر گردید، شیعیان به آن سطح از آمادگی رسیده بودند که دچار تشکیک و پراگندگی نشده و به مسیر خود در طول تاریخ ادامه دهند.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: ناشر کتابفروشی داوری.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، *معانی الأخبار*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم:

- انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *اقبال الاعمال*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
 ۶. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱)، *المقالات والفرق*، تحقیق: محمد جواد مشکور، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، دوم.
 ۷. اقبال، عباس (۱۳۱۱)، *خاندان نویختی*، تهران: مطبعة مجلس.
 ۸. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر*، مصحح: عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: بیدار.
 ۹. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۸۹)، *جرعه ای از دریا*، قم: کتابشناسی شیعه.
 ۱۰. صفری فروشانی، نعمت الله؛ احمدی کجایی، مجید (۱۳۹۱)، «چگونگی طرح وکلادر منابع امامی دوره غیبت صغری»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال ششم، شماره ۲۴.
 ۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *استبصار*، مصحح: حسن الموسوی خراسان: تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، *الفهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول*، تحقیق: عبدالعزيز طباطبایی، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
 ۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳)، *رجال*، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین.
 ۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب، چهارم.
 ۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *اختیار معرفة الرجال*، ترجمه: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
 ۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، مصحح: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
 ۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
 ۱۸. قطب راوندی، ابوالحسین سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج و الجرائح*، تحقیق: مؤسسه الامام المهدی، قم: مؤسسه المهدی.

۱۹. قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، تهران: توس.
۲۰. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵)، *المصباح للکفعمی*، قم: دارالرضی، دوم.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *کافی*، مصحح علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *کتاب المزار مناسک المزار*، مصحح: محمدباقر ابطحی، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
۲۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، *رجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين.
۲۵. نعمانی، محمد (۱۳۹۰ق)، *الغیبه*، قم: زلال کوثر، دوم.
۲۶. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۵ق)، *فرق الشیعه*، تحقیق: محمدصادق آل بحر العلوم، نجف: مکتبه المرتضویه.
27. Zackery M. Heern, Three Sources of Shi'a Knowledge and Authority: Texts, Reason, and Mysticism in Intellectual History. In Proceedings of the Annual International Conference on Shi'i Studies (pp. 60-93). London: ICAS Press. 2018.
28. Zackery M. Heern, Usuli Shi'ism: the emergence of an Islamic reform movement in early modern Iraq and Iran. 2011, P.97.